گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۲۳۴۴
سه شنبه ۱ تیر ۱۴۰۰ ۹:۳۷

در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین سیدعبدالواحد موسوی لاری صورت گرفت؛

بعید است اطرافیان رئیسی بگذارند کاری کند

موسوی لاری گفت: کسانی که در ستادهای آقای رئیسی جمع شده بودند همان کسانی بودند که با آقای احمدی نژاد کار می کردند و در ستادهای آقای احمدی نژاد، دولت او و جاهای دیگر بودند.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، حجت الاسلام و المسلمین سیدعبدالواحد موسوی لاری، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفتگویی به بیان نکاتی پیرامون میزان مشارکت مردم در انتخابات ۱۴۰۰، تعداد بالای ارای باطله و عملکرد رئیسی درباره برجام و اف‌ای‌تی‌اف و ... پرداخته است. در ادامه بخشی از این گفتگو را می خوانید.

تحلیل شما از انتخابات ۲۸ خرداد ماه و میزان مشارکت در این انتخابات و تعداد آراء منتخب آن چیست؟

در رابطه با انتخابات اگر بخواهد بحث شود باید مراحل مختلف آن مورد بحث قرار بگیرد. مرحله اول شرایط منتهی به انتخابات یعنی فضای سیاسی، کنش و واکنش های جریانات مختلف اعم از رقبای انتخابات و دستگاه های مسئول و تصمیم گیر است. در این انتخابات از ابتدا مشهود بود که یک انتخابات مشابه ۹۸ خواهیم داشت. ولی وقتی که ثبت نام ها شروع شد جریانات مختلف کاندیداهایی که به نظرشان رسید می توانند نقش ایفا کنند را معرفی کردند.

خروجی و کارکرد شورای نگهبان این بود که برخلاف همه رویه ها و شرایط حقوقی انتخابات و مسائل مرتبط با قانون اساسی و قوانین عادی تصمیم گرفتند تحت عنوان امری که به نظر نمی رسد اصلا مبنای حقوقی داشته باشد، یعنی بحث «عدم احراز»، عده ای را رد می کنند و عجیب اینجا است که از جریان اصلاح طلب حدود ۹ نفر ثبت نام کرده بودند، گرچه همه آنها از نظر شرایط و میزان وابستگی به جریان اصلاحات یکسان نبودند ولی بالأخره از طرف آن ائتلاف این افراد مورد تأیید قرار گرفته بودند، هیچ یک از آنها تأیید نشد.

از آن بالاتر کسی مثل آقای علی لاریجانی که از نظر سیاسی در اردوگاه اصولگرایان است، سه دوره پشت سر هم رئیس مجلس و دبیر شورای عالی امنیت ملی، رئیس صدا و سیما و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده هم تحت عنوان «عدم احراز» تأیید نشد.

مقدمات انتخابات به گونه ای پیش بینی شده بود که انتخابات کاملا مدیریت شده تلقی شود

تردیدی باقی نماند که این نوع رفتار ما را به سمت یک انتخابات مدیریت شده هدایت می کند. بنا است انتخاباتی با یک شرایط خاص برگزار و فرد مشخصی هم انتخاب شود. اینکه یکی دو نفر که گرایش اصلاح طلبی داشتند هم خودشان سهمیه اصلاح طلبان قرار دادند عملا چیزی نبود که اصلاح طلبان بتوانند به آن تکیه کنند. پس مقدمات انتخابات به گونه ای پیش بینی شده بود که انتخابات کاملا مدیریت شده تلقی شود.

مردم در انتخابات ۹۸ نشان دادند که با این سبک کار موافق نیستند. در این انتخابات هم مردم به دلایل مختلف نسبت به انتخابات مشکل پیدا کرده بودند. بخشی به مسائل معیشتی و فشارهایی که برای خانوده ها پیش آمده و مشکلاتی که منشأ آن یا فشارهای خارجی و یا تدبیرهای داخلی بود. بالأخره به هر دلیلی مردم بنای مشارکت نگذاشته بودند. تبلیغات وسیعی شد برای اینکه مردم مشارکت کنند و از امام و رهبری هم مایه گذاشتند که مردم با صندوق های رأی آشتی کنند ولی این تبلیغات توانست بخشی از مردم را قانع کند و بخش عمده ای از مردم قبول نکردند و نیامدند. یعنی قریب ۵۲ درصد جامعه اصلا پای صندوق رأی نیامدند و حدود چهار میلیون نفر هم آراء باطله بود که این آراء باطله هم در حقیقت بدتر از نیامدن ها بود.

به نظر شما چرا چهار میلیون نفر در انتخابات شرکت می کنند ولی رأی باطله به صندوق می اندازند؟

کاملا روشن است که مردم گفتند ما پای صندوق می رویم برای اینکه خودمان را ایرانی می دانیم و صندوق رأی را داوری می دانیم که می تواند بین رقبا داوری کند و همیشه از خروجی صندوق رأی برای رشد و ترفیع و پیشرفت کشورمان استفاده می کنیم ولی این بار چون نوع برخورد متولیان امر، به صورت مشخص شورای نگهبان، به گونه ای بوده که خواسته اند به ما بگویند فقط به کسانی که ما دوست داریم رأی بدهید، ما می آییم و به آنها رأی نمی دهیم تا به شورای نگهبان و تصمیم گیرندگان تفهیم کنیم که ما با اصل نظام، انقلاب و صندوق رأی مشکل نداریم و با تصمیم شما مشکل داریم و می خواهیم یک جوری به شما بفهمانیم این نوع رفتارها باعث می شود که مردم یا پای صندوق نیایند و یا بر خلاف چیزی که شما مسیر را تعیین کرده اید عمل کنند.

بنابر این من تفاوت بین کسانی که رأی باطله به صندوق انداختند با کسانی که نیامدند را در این می بینم که اینها آمدند تا با آمدنشان به شورای نگهبان بگویند شما مسیر غلطی طی کرده اید. آن ۵۲ درصد هم نیامدند تا با نیامدنشان به اینها بگویند این رفتار شما را قبول نداریم. لذا از ۴۸ درصدی که پای صندوق حاضر شدند هم حدود ۱۵ درصدشان کسانی هستند که در حقیقت به آن ۵۲ درصد اضافه می شوند. یعنی معترض هستند و اعتراضشان را این گونه نشان داده اند.

پس ما با یک اقلیت کمتر از ۴۰ درصد مواجه هستیم که آمده اند و به شوراها و ریاست جمهوری رأی داده اند. بنابر این به نظر من انتخابات ۲۸ خرداد چه در بعد منفی و چه ایجابی حاوی نوعی اعتراض جدی مردم بود.

به نظر شما دولت آقای رئیسی در مسائل مختلف سیاسی خارجی از جمله برجام و اف ای تی اف و سیاست داخلی مثل آزادی های اجتماعی و فضای مجازی چه طور عمل خواهد کرد؟

به نظر من پیشینه آقای رئیسی روشن است و خیلی نیاز به داوری ندارد. آقای رئیسی از کسانی است که از سال ۵۸ در قوه قضائیه بوده و هنوز هم که در انتخابات ریاست جمهوری منتخب مردم شده در این قوه هست. قاضی، بازپرس، دادستان، معاون اول و رئیس بوده و به شکلی در همه اتفاقاتی که در کارنامه قوه قضائیه ثبت شده سهیم است. مباحثی که در خصوص آزادی های اجتماعی و غیره مطرح می شود را باید ببینیم در گذشته آقای رئیسی چگونه عمل کرده است.

اما اینکه درباره سیاست خارجی چه کار می کنند، به نظر من فضایی به وجود آمده که اینها فشار می آورند مسأله برجام حتما به نتیجه برسد. من فکر

می کنم الآن جریان اصولگرا نسبت به جریان مقابل طرفداری بیشتری از برجام می کند و بیشتر عجله دارند که زودتر برجام به یک جایی برسد و فضا کمی آرام شود اینها بتوانند بخشی از وعده هایی که به مردم داده اند را عمل کنند و بخشی از پول های بلوکه شده ما آزاد شود و بتوانند فضای جدیدی در زمینه معیشت مردم به وجود بیاورند.

لذا اینها در زمینه برجام و حتی اف ای تی اف گشایش ایجاد می کنند و دنبال حل آن می روند. البته به اعتقاد من تلاش می کنند که در دوره آقای روحانی به نتیجه برسد و آنها ثمره اش را ببینند. یعنی آقای روحانی کارهای آن را انجام بدهد و آنها میوه اش را بچینند. حتی اگر این هم نشود، وقتی خودشان مسئولیت بر عهده گرفتند دنبال این می روند که داستان برجام را بالأخره به جایی برسانند. به نظر من بحث اف ای تی اف هم در مجمع تشخیص تمام شد و آن را تصویب می کنند و بعید است که بماند.

احمدی نژاد نسخه قدیمی دولت رئیسی است

اما اینها یک مشکل جدی در نوع اعمال سیاست خارجی و دیپلماسی دارند که مدل آن در زمان احمدی نژاد بود. احمدی نژاد نسخه قدیمی دولت آقای رئیسی است. چون بالأخره همه این جناح در تمام ارکان قدرت پشت سر احمدی نژاد بودند و آن زمان نتوانستند گشایشی در زمینه مراودات بین المللی اعمال کنند. اعلام کردند که تحریم ها ورق پاره ای بیش نیست. شش قطعنامه شورای امنیت به کشور تحمیل و ۱۶ سال گرفتاری برای کشور درست کردند و هنوز من نگذاشته اند مسأله حل شود. همین ها بودند و کسی غیر از اینها نبوده است.

کسانی که در ستادهای آقای رئیسی جمع شده بودند همان کسانی بودند که با آقای احمدی نژاد کار می کردند و در ستادهای آقای احمدی نژاد، دولت او و جاهای دیگر بودند. لذا اگر این نگاه عوض نشود و آقای رئیسی نتواند نگاه جدیدی را بیاورد و افراد جدیدی غیر از کسانی که در ستادش نماد حضور آقای رئیسی بودند را به میدان نیاورد باز با همین مشکلات روبرو می شود و در حوزه های دیگری گرفتاری پیدا می کند.

اگر نگاه به همسایگان و جامعه بین الملل عوض نشود این گرفتاری ها همچنان هست. من خیلی بعید می دانم و با تردید به این مسأله نگاه می کنم که آقای رئیسی توان این را داشته باشد از عقبه ای که دور او را گرفته اند خودش را نجات بدهد و با بصیرت بیشتری نسبت به وظایف و مسئولیت هایش عمل و در عرصه بین المللی راه جدیدی باز کند. شبکه ای که دور ایشان هستند بعید است بگذارند آقای رئیسی کاری کند که جریان دیپلماسی کشور به سمت نوعی تعادل در عرصه بین المللی پیش برود.